



سیاستگذارها و روشهایی جهت  
توسعه صنایع کوچک  
در آسیا و اقیانوسیه  
(۵)

## برنامه‌های

# توسعه صنایع کوچک

ترجمه از: منصور محمود نژاد

اشاره:

نظر به اهمیت توسعه صنایع کوچک در کشورهای جهان سوم، برای اولین بار سمپوزیوم بین‌المللی توسعه صنعتی جهت حل مشکلات صنعتی کردن این کشورها توسط یونیدو تشکیل گردید. هیئتهای اعزامی بنا به توجه خاصشان به صنایع کوچک، مطالعاتی در زمینه موانع رشد این تاسیسات انجام داده که همراه برنامه‌های خاص خود جهت کمک به صنایع موجود، به سمپوزیوم ارائه دادند. در شماره‌های قبل به مشکلات اقتصادی و اهداف اجتماعی که این صنایع در برداشت، اشاره گردید و در ضمن پیشنهاداتی در خصوص توسعه و ترویج و چگونگی ارتقای آن بیان شد. در ادامه بحث توسعه صنایع کوچک به ذکر فعالیتها و تجربیات برخی از کشورها در این زمینه می‌پردازیم.

جهاد ۴

**چین:** بیکاری در روستاها و هجوم جمعیتهای روستایی به سوی شهر، دلیل مهم تأکید توسعه صنعتی در سطح محلی مناطق روستایی چین بوده است. «صنایع روستایی و شهری» منجر به، بوجود آمدن تعاونیهایی که به وسیله شرکتهای روستایی و صنایع خانواری با مالکیت خانواده، اداره می‌شوند، گردید. اتکای بیشتر کارخانجات بر بازارهای داخلی بوده و از تکنولوژیهای ساده تبعیت می‌کند، ولی دامنه تولیدات بسیار متنوع و گسترده است. بودجه‌های لازم معمولاً یا بوسیله خانواده‌ها تأمین می‌گردد و یا توسط خود شرکتهای از طرفی دولت نیز هم اکنون تخفیفهایی در مالیاتها منظور داشته و وامهای کم بهره‌ای برایشان در نظر گرفته است. در سالهای اخیر نقش سنتی و پر قدرت برنامه ریزی مرکزی، راههایی را برای توجه بیشتر به امر تأسیس (کارخانجات) گشود و پیوند بین صنایع بزرگ و کوچک با راهنمایی نواحی صنعتی در امر تنظیم قراردادهای فرعی بین صنایع روستایی و شهری، تقویت گردید. مشکلات عمده‌ای که تصمیم گیرندگان با آن روبرو هستند، عبارتند از:

- تکنولوژی و تجهیزات قدیمی، که باعث پایین آمدن کیفیت تولیدات و مصرف نیرو و مواد خام بیشتر می‌شوند؛
- کمبود همکاریهای لازم در بخش صنایع کوچک که منجر به تولید مازاد بعضی از اقلام می‌گردد؛
- ضایعاتی که در اثر سیاستگذاریهایی غیر معقول، عدم تمرکز و انتقال صنایع آلوده کننده محیط زیست به مناطق روستایی، به آکوسیستمها وارد می‌آید.

**هند:** بخش صنایع کوچک هند شامل آن دسته از واحدهای خدماتی و تولیدی می‌گردد که سرمایه کارخانه و ماشین آلات آنها زیر ۰/۳ میلیون دلار آمریکا می‌باشد. بخش صنایع کوچک و روستایی شامل «خادی سنتی» (یکنوع منسوج دستی) و صنایع روستایی و صنایع دستی و صنایع کوچک مدرن می‌گردد. زیربخش (Sub Sector) سنتی با موقعیت شبه شهری و روستایی بسیار غیر متمرکز، با یک سیستم تولیدی بر مبنای خانواری و غیر استاندارد، وحتىی تولیدات واحد متفاوت است. این صنایع از ابزار ساده استفاده کرده و اکثر تجهیزات آنها دستی بوده و مصارف نوده مردم

و کالاهای هنری صنایع دستی برای داخل و بازارهای خارجی را تولید می‌نمایند. زیر بخشهای صنایع کوچک که پس از استقلال کشور بوجود آمدند با یک برتری سازمانی و فنی و تولیدی پیچیده‌تر و شهری‌تر توصیف شده‌اند.

صنایع کوچک و روستایی خود بخش مهمی از اقتصاد را تشکیل می‌دهند. سهم آنها در اشتغال در حد بخش کشاورزی می‌باشد. این بخش بعنوان «خوداشتغال» توصیف گردیده؛ اشتغال در بخش صنایع کوچک روستایی بالغ بر ۸۰ درصد کل اشتغال صنایع می‌باشد و تقریباً ۱/۳ کل صادرات را بخود اختصاص داده و از نظر ارزشی ۵۱ درصد از کل تولید بخش صنعت را به خود اختصاص داده است.

استراتژی توسعه برای روستا و صنایع کوچک بر موارد زیر متمرکز می‌گردد:

۱ - ادغام برنامه‌های ارتقایی بخش با سایر برنامه‌های توسعه منطقه‌ای که خود باعث تصحیح عدم تعادل خواهد گردید.

۲ - سازمان دادن تمدی تولید و توزیع به نفع بخش صنایع کوچک و روستایی به نحوی که باعث ایجاد فرصتهای کامل و اضافی اشتغال بر مبنای پراکندگی و عدم تمرکز گردد.

۳ - ایجاد مبنای سازمانی مناسب در سطوح مختلف برای بهبود بخش (sector)

در ضمن تاکید گردیده که سیاستگذاریهایی دولت باید اطمینان دهد که بخش دارای توان و قدرت کافی در «تجهیز خود» باشد و توسعه‌اش توأم با توسعه صنایع بزرگ به پیش رود.

به منظور توسعه صنایع کوچک در مراحل اولیه کار به جایگزینی واردات تاکید فراوانی شد و صنایع کوچک روستایی نقش بسیار بالایی برای دستیابی به این هدف ایفا نمودند بطوریکه هم اکنون این «بخش» علاوه بر تامین نیاز داخلی محصولات، کالاهای چرمی، صابون، لوازم التحریر، وسایل مصرف الکتریسته، و... نقش بالایی در صادرات اینگونه تولیدات دارد. سیاست دولت نیز در جهت حمایت از فعالیتهای و تولیدات داخل کشور بر متوقف نمودن اکثر کالاهای مشابه داخلی استوار شده است.

در هندوستان، مسئولیت توسعه صنایع کوچک و روستایی با مشارکت آژانسهای توسعه محلی -

منطقه‌ای که از طرف دولت‌های محلی برپا شده‌اند، معمولاً سازمانهای توسعه منطقه‌ای عملیات خود را محدود به احتیاجات مناطق خود نموده‌اند. البته گروهی از اینها، اجرای کارهای خود را خاص یک منطقه نکرده و بخشی از فعالیت‌هایشان چند منظوره و مرکب انجام می‌شود.

در ضمن کشور هند هنوز درگیر مسایل و مشکلات فراوانی است که می‌توان به چند مورد آن از قبیل فرسودگی تکنولوژی، پایین بودن بهره‌وری، فقدان کانال‌های سازمان یافته بازاریابی، عملیات غیر منظم و سطح پایین مهارتهای انسانی اشاره کرد.

### پاکستان:

در پاکستان صنایع کوچک، واحدهایی را شامل می‌شود که سرمایه ثابت آنها زیر ۱۰ میلیون روپیه واقع شود. صنایع کوچک ۸۵ درصد اشتغال را در بخش صنعتی به خود اختصاص داده (با ۳/۹۵ میلیون کارگر) و سهم آن در افزایش بها، فقط ۳۰ درصد می‌باشد. برای تقویت صنایع کوچک، سازمان صنایع کوچک استانی (SIC)، حدود ۱۰ سال پیش، در مناطق مختلف کشور ایجاد گردید. این سازمانها (SIC) خدمات مختلف بودجه‌ای و کمکهای آموزشی به صنایع کوچک را ارائه می‌نمایند و برخی نواحی صنعتی هم برای صنایع کوچک فراهم آورده‌اند. در سال ۱۹۸۰، حدود ۸۱۰۰۰ صنایع کوچک از طرق مختلف خدمت رسانی شده‌اند.

تحت ششمین برنامه پنجساله (۱۹۸۸ - ۱۹۸۳)، صنایع کوچک توجه خاصی را بخود جلب نموده‌اند. هدف این است که صنایع کوچک را با کشت و صنعتها ممزوج کرده، از این طریق رشد صادرات را در دست بگیرند.

برای توسعه و بهبود وضع صنایع کوچک یک سری اقدامات در سیاستگذاریهایی ملحوظ گردیده است، که شامل موارد زیر می‌گردد:

- تامین اعتبار با نرخهای اختصاصی و گسترش نقش سازمان مالی اصناف کوچک  
- توسعه و گسترش مراکز آموزش و خدمات موجود

- عطف توجه خاص به صنایع کوچک در غالب نواحی صنعتی

- ترغیب عقد قراردادهای فرعی

• بیکاری در روستاها و هجوم جمعیت‌های روستایی به شهر، دلیل مهم تاکید توسعه در سطح محلی مناطق روستایی چین بوده است.

• صنایع کوچک و روستایی هند، بخش مهمی از اقتصاد را تشکیل می‌دهند. سهم آنها در اشتغال در حد بخش کشاورزی می‌باشد. این بخش به عنوان «خود اشتغال» توصیف گردید. با اشتغال در بخش صنایع کوچک روستایی بالغ بر ۸۰ درصد کل اشتغال صنایع می‌باشد و تقریباً ۱/۳ کل صادرات را بخود اختصاص داده و از نظر ارزشی ۵۱ درصد از کل تولید بخش صنعت را بخود اختصاص داده است.

• به منظور توسعه صنایع کوچک در مراحل اولیه کار به جایگزینی واردات تاکید فراوانی شد و صنایع کوچک روستایی نقش بسیار بالایی برای دستیابی به این هدف ایفا نمودند، بطوریکه هم اکنون این «بخش» علاوه بر تامین نیاز داخلی محصولات، کالاهای چرمی، صابون، لوازم التحریر، وسایل مصرف الکتریسته و... نقش بالایی در صادرات اینگونه تولیدات دارد. سیاست دولت نیز در جهت حمایت از فعالیتهای و تولیدات داخل کشور بر متوقف نمودن اکثر کالاهای مشابه داخلی استوار شده است.

— توسعه برنامه ویژه‌ای برای بهبود دانشها و ارتقای تکنولوژیها، انتشار اطلاعات، کنترل کیفیت و بازاریابی از طریق هیئتها و سازمانهای صنایع کوچک

— منسوخ نمودن پروانه‌های کاراکثر کارخانجات کوچک.

یک نمونه از حمایت‌های صنایع کوچک در سطح استان، نمونه شاخه صنایع کوچک دولت بلوچستان است که در توسعه صنایع کوچک متکی به منابع محلی، بسیار فعال بوده است. این شاخه، نوع جدیدی از نواحی صنعتی با تسهیلات لازم زیربنایی بوجود آورده و در بهبود کالاهای محلی مؤثر بوده است و به واحدهای صنایع کوچک و خانواری، با تأمین نیروی انسانی آموزش دیده، که در انستیتیوی خود تعلیم گرفته‌اند، کمک می‌نماید. تسهیلات بازاریابی نیز فراهم می‌باشد و به همین منظور فروشگاههای مختلفی نیز در شهرهای بزرگ ایجاد شده است. این مرکز راهنماییهای مدیریتی را ارائه داده، در گرفتن تسهیلات اعتباری از سازمانهای مربوطه یاری می‌دهد. سرمایه‌گذاران (مؤسسين) جدید راهنمایی می‌شوند، و در شناسایی پروژه‌های صنعتی و دستیابی به تسهیلات و گرفتن مجوز و اعتبار به آنها کمک می‌شود.

### سیستم پیاده کردن خدمات فنی (فیلیپین):

در مارس ۱۹۷۸ دولت فیلیپین از طریق کمیسیون صنایع کوچک و متوسط (CSMI) وزارت صنایع شروع به اجرای پروژه سیستم پیاده کردن خدمات فنی (TSDS) نمود. این پروژه با همکاری یونیدو (UNIDO)، دولت ژاپن، اسکاپ (ISCAI) و عمران ملل متحد (UNDP) اجرا گردید. هدف اصلی پروژه (TSDS) استقرار چارچوبی سازمان یافته جهت پیاده کردن روش (مکانیزم) مؤثر ارائه خدمات و اطلاعات فنی (تکنولوژیکی) به صنایع کوچک، به ویژه آنهاييکه در مناطق روستایی قرار گرفته‌اند، بود. این پروژه کار خود را از جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند فنی موجود، که در هر مملکت فراوان است، — ولی یا گره‌ای از مشکلات تولید کنندگان خردپا را باز نمی‌کند و یا اینکه اصولاً به دستشان نمی‌رسد — آغاز نمود.

● در جمهوری فدرال آلمان (به عنوان یک کشور صنعتی) چیزی به نام انتقال فرهنگها تلاش می‌کند که پلی بین دانشگاههای بزرگ، ظرفیتهای تحقیقاتی و نیازهای کارخانجات صنعتی، بویژه متوسط و کوچک آنها، بنا نماید. بهتر است این حرکت در مراحل اولیه صنعتی کردن صورت پذیرد، تا اینکه از شدت و عظمت ناهماهنگی بین جهت‌گیری کار سازمانهای تحقیقات صنعتی و نیازهای بخشهای مختلف صنعتی، از همان آغاز، جلوگیری به عمل آید.

در مورد اول مشکل در «جهت» دادن به تحقیقات فنی و در مورد دوم توزیع نتایج آن است. این موضوع موقعیت بسیار سخت و مشکلی را ارائه می‌نماید که حتی در خیلی از کشورهای صنعتی هم به تازگی شناسایی شده و نتیجتاً اعلام گردیده‌اند. برای مثال در جمهوری فدرال آلمان چیزی به نام انتقال فرهنگها تلاش می‌کند که پلی بین دانشگاههای بزرگ، ظرفیتهای تحقیقاتی و نیازهای کارخانجات صنعتی، به ویژه متوسط و کوچک آنها، بنا نماید. بهتر است این حرکت در مراحل اولیه صنعتی کردن صورت پذیرد، تا اینکه از شدت و عظمت ناهماهنگی بین جهت‌گیری کار سازمانهای تحقیقات صنعتی و نیازهای بخشهای مختلف صنعتی، از همان آغاز، جلوگیری بعمل آید.

اغلب صنایعی که قبلاً سرمایه و منابع مدیریتی برای حفظ مستمر توسعه را دارا بوده‌اند، درخواست و پذیرش تکنولوژیهای نورا به راحتی قبول می‌کنند، ولی صنایع کوچک فاقد این منابع می‌باشند.

گاهی اوقات حتی در مورد دامنه آزادیهای تکنولوژیکی، که قبلاً اصلاح گردیده، کمبود اطلاعات وجود دارد بنابراین یکی از وظایف مرکزی (TSDS) بطور پایه‌ای تأمین اطلاعات مورد نیاز می‌باشد.

TSDS شامل سه زیر سیستم مختلف به شرح زیر می‌باشد:

— زیر سیستم اطلاعات: انتشار مواد مکتوب موجود در سازمانهای تحقیقاتی در جایگزینهای تکنولوژیکی (شامل نیازهای مهارتی، هزینه‌ها و غیره) در بخشهای مختلف صنعتی،

— زیر سیستم آموزش: تهیه و برنامه‌ریزی سخنرانیها، سمینارها، نمایشگاههای عملی و غیره در سازمانهای تحقیقاتی و آموزشی و همچنین در مناطق روستایی،

— زیر سیستم مشاوره ضمن خدمت (داخل کارخانه‌ای): این مسئله ارتباط بسیار گرانتیست و مشکلی بین سازمانهای تحقیقات فنی و صنایع کوچک دارد که نمی‌بایست کوچکترین وقفه‌ای در تحقیقات توسعه صنایع کوچک ایجاد شود.

یادآوری این امر مهم است که TSDS بعنوان یک مخلوق یونیدو و الزاماً احتیاجی به ایجاد سازمانهای بیشتری ندارد، در حالیکه برای ایجاد رابطین سیستماتیک و تغذیه‌های مجدد (Feedback) بین سازمانهایی که از قبل وجود داشته‌اند، تمرکز خواهد داشت. TSDS فیلیپین مورد اشاره است، که از دفتر صنایع کوچک و متوسط به منظور واحد هماهنگ کننده TSDS و مراکز ارشاد جزرف کوچک به مثابه وسیله‌ای برای استقرار رابطین با صنایع کوچک، استفاده می‌نماید. شاید قابل توصیه باشد که TSDS ابتدا توجه خاصی بر نوع کانونی صنایع (بخشهای هدف و مورد نظر) با سهام بالای کارخانجات کوچک، معطوف دارد. در مورد فیلیپین صنایع تبدیلی غذایی، تبدیلی چوب و کارهای فلزی به ترتیب انتخاب و کوششهای مناسب TSDS هم اکنون اثر بسیار خوبی را در کارخانجات هدف صنایع کوچک، در زمینه‌های سازمانی آنها در داخل تشکیلات کاری صنایع، به جای گذارده است.

شکی نیست که دستاوردهای TSDS که در فیلیپین به کار رفته می‌توانند به طرز مؤثری در سایر کشورها مفید باشد، به شرط آنکه بکارگیری آنها مناسب با محیط فرهنگیشان باشد. همچنین ممکن است که TSDS خود را در اختیار مقاصد کاربردهای منطقی‌ای قرار دهد.

از نظر تئوری ممکن است این مسئله در مورد کشورهایی که تواناییهایشان در تحقیقات فنی و ظرفیتهای و تسهیلات متناسب سازمانی محدود است

مناسب باشد و بتواند منابع خود را در یک هماهنگی تنگاتنگ منطقه ای ادغام نماید. کوششهای ملی در گسترش صنایع کوچک همیشه مد نظر سیاستگذارها می باشد ولی در بعضی موارد انتقال تکنولوژی از کارخانجات کوچک و متوسط کشورهای پیشرفته در کشورهای در حال توسعه فواید بسیار زیادی را در بر خواهد داشت، که یکی از این موارد همکاری سوئد با کشورهای در حال توسعه می باشد که ذیلاً توضیح داده می شود.

## همکاری صنعت متجانس (سوئد/ کشور در حال توسعه):

در سال ۱۹۷۶ اداره توسعه (عمران) بین المللی سوئد دست آورد جدیدی را در حمایت و تسریع انتقال تکنولوژی کارخانجات کوچک و متوسط سوئد به کشورهای در حال توسعه در چارچوب برنامه ای بنام «برنامه صنعت متجانس» شروع نمود. هدف این برنامه در گسترده نمودن میدان و حوزه اختیارات فنی موجود کارخانجات کوچک و متوسط در کشورهای در حال رشد می باشد.

بنابراین تأکید منحصر بر بنیان کارخانجات جدید و یادگیری در سرمایه گذاری مشترک همگون نیست بلکه تلاش بر انتقال مهارتهای تولید و میانی قراردادها و پیمانها است. یک شرکت سوئدی (همکار ارشد) قرار دادی دراز مدت با یک کارخانه در کشور در حال رشد (همکار تازه کار) مشتمل بر انتقال لوازم «سخت افزار»، ماشین آلات، ابزار، گاهی شبه تولیدات) و

همچنین نرم افزار، منعقد می نماید که مورد اخیر مشخصاً آنطور که معرفی شده شامل: تمام دانستیها و اطلاعات فنی مایملک «همکار ارشد» که در برنامه ریزی مفید خواهد بود، است. تولید یا مصرف محصولات که در مورد آنها توافق حاصل شد، بایستی شامل حداقل نقشه بنای تولید، تعریف مشروح ماشین آلات، تعریف دقیق مواد خام، قطعات و لوازم یدکی و روشهای تست، طراحی تولید، دانش مربوط به تولید، متدهای آزمایشی برای تولیدات ناتمام و روشهای بسته بندی باشد.

قراردادهای همکاری صنایع متجانس بین سوئد و تانزانیا به نتیجه رسیده است. چارچوب کاری مدون با ماهیتی، بسیار ساده است. مکانیزم آیین نامه ای اساسی را می توان به شرح زیر تعریف نمود:

— سازمان توسعه صنایع کوچک (SIDO) فهرستی از تولیدات مناسب را برای سازندگان ناحیه صنعتی تانزانیا تهیه نموده و آنرا برای مؤسسه مشاور سوئدی ارسال می نماید. همزمان، SIDO به جستجوی مؤسسين (سرمایه گذاران) کارخانجات صنعتی تانزانیایی (که می بایست احداث شوند) می پردازد.

— مؤسسه مشاوره ای سوئدی از مؤسسين (سرمایه گذارانی) که علاقه به انتقال تکنولوژی یا شرکت در ایجاد یک کارخانه دو شاخه متعلق به خود در تانزانیا هستند دعوت بعمل می آورد. سپس لیست کاندیداهای مناسب را برای SIDO ارسال می نماید.

— در مرحله بعدی مؤسسه مشاوره ای سوئدی

مسافرتی را برای بازدید کنندگان SIDO از کارخانجات پیشنهادی و ارزیابی فواید شرایط تولیدشان در تانزانیا ترتیب می دهد. در مقابل، فرصتی هم برای کارخانجات سوئدی فراهم می شود تا از تانزانیا بازدید نموده و با شرایط منطقه و همکاری همکاران محلی آشنا می شوند.

— صاحبان صنایع سوئدی پیشنهادات مشروح خود را براساسی که SIDO در مطالعه امکانات لازم دنبال می کند ارائه می نمایند. اگر به نتیجه مثبتی رسیدند مذاکرات تجاری مجرد بین SIDO و هر کدام از کارخانجات سوئدی انجام و قرارداد کنتراست نهایتاً امضاء می گردد.

— کارخانجات تانزانیایی پس از امضای قراردادها خود با SIDO، تعدادی از کارکنان خود را برای آموزش ضمن خدمت به سوئد اعزام می نمایند.

— بالاخره، سخت افزارهای لازم به تانزانیا ارسال و کارکنان فنی کارخانجات سوئدی کمکهای لازم برای شروع کار تولید را تأمین می نمایند.

صرفنظر از این حقیقت که بیشتر شرکت کنندگان در همکاریهای صنایع متجانس تاکنون بطور اصولی از نتایج بدست آمده راضی هستند، مشکلاتی نیز بروز نموده، که در بین آنها به موارد زیر می توان اشاره نمود:

— مشکلاتی در رابطه با حمل و نقل ماشین آلات، به خاطر عدم تسهیلات کافی بندری.

— تأخیر در ایجاد محوطه در مرحله سوار کردن ماشین آلات و شروع تولید

— مشکلات اداری و مدیریتی در مرحله شروع تولید.

تمرکز برنامه صنایع متجانس در یک ناحیه مشخص صنعتی بطور چشمگیری در تسهیل امور کمک می نماید (از طریق مبادله تجربیات، کارگاههای با تسهیلات مشترک و غیره). از همه مهمتر اینکه باید در موجودیت یک سازمان مؤثر در توسعه صنایع کوچک تأکید نمود که از شرایط اولیه زیربنایی هر کشوری در تلاش بردست یازیدن به چنین دست آوردی در انتقال تکنولوژی می باشد.

زیرنویس:

(۱) — مناطق زیستی مردم

